

## تجربه موفق ونجات بخش ترکیه در نظام حزبی

مهمترین خطوط قرمز در نظام انتخاباتی ترکیه اعتقاد به تمامیت ارضی است. افراد عمدتا از سوی احزاب کاندیدا می شوند. البته برخی از افراد که دارای مقبولیت بالا هستند نیز مستقل کاندیدا می شوند.



به گزارش آران نیوز: انتخابات در کشورها اگرچه امری داخلی محسوب می شود اما در دهکده کوچک جهانی دیگر هر تحولی اهمیت و پیام خود را داشته و ارزیابی نتایج آن از نگاه ناظران و کشورهای دیگر، خود عامل مهمی در تنظیم روابط محسوب می گردد. در روزهایی که کمتر از دو هفته زمان به انتخابات وقت مانده است به سراغ صادق ملکی کارشناس و تحلیلگر ارشد سیاست خارجی رفتیم. دیپلمات بازنشسته ای که سال های عمر خود را در سیاست خارجی سپری کرده و بیشتر در این حوزه قلم زده است. دیپلمات ها با توجه به ماموریت های کاری دارای تجربیات گرانمایی هستند که بعضا استفاده از این تجربیات می تواند در بسیاری از حوزه های سیاسی مفید باشد. ملکی بخش مهمی از زندگی حرفه ای خود را در ترکیه سپری نموده و با توجه به این تجربه گفتگوی خود را درباره انتخابات در این کشور همسایه آغاز کردیم:

جایگاه انتخابات در ترکیه و نقش آن در حیات سیاسی مردم این کشور چیست؟

ترکیه کشوری در حال توسعه در کلیه شاخص ها بوده و نحوه برگزاری انتخابات و میزان مشارکت مردم این کشور در آن، خود فرصتی برای ارزیابی استاندارد دموکراسی در ترکیه است. ترکیه از زمان دولت اوزال بطور جدی وارد تجربه دموکراسی شده و همزمان با تحول اقتصادی در حال عبور و نهادینه نمودن دموکراسی است. انتخابات نقش اساسی در صحنه سیاسی ترکیه داشته و ترک ها توانسته اند تابلوی قابل قبولی در زمینه دموکراسی و انتخابات در قیاس با کشورهای پیرامونی از خود ارایه دهند.

انتخابات و رأی مردم مهمترین نقش را در زندگی مردم ترکیه دارد. انتخابات تعیین کننده چگونگی حیات سیاسی مردم ترکیه است. انتخابات در ترکیه محور تعیین سیاست های این کشور در عرصه داخلی و خارجی می باشد. در واقع انتخابات نمایش عینی حضور مردم در مشارکت سیاسی است. ترکیه با تاسیس جمهوریت بر ویرانه های عثمانی گام در مسیر دوران جدید گذاشته و در چند دهه اخیر نیز تلاش دارد که با عبور از روند تجربه دموکراسی، جمهوریتی مبتنی بر دموکراسی را در ترکیه نهادینه نماید. الزامات ناشی از شرایط اتحادیه اروپا و توافق جمعی داخلی مبنی بر دموکراتیک شدن سازوکارهای کشور مسیر دموکراسی در ترکیه را (البته با فراز و نشیب ها) هموار نموده است.

با توجه به شناختی که شما از ایران و ترکیه دارید انتخابات دو کشور را چگونه قیاس می کنید؟

مکانیزم و ساز و کارهای انتخاباتی در ایران و ترکیه متفاوت بوده و در حالی که ایران کشوری ایدئولوژیک است ترکیه نگاه ایدئولوژیک به انتخابات ندارد. البته رگه های ناسیونالیسم ترک، سایه سنگین در انتخابات ترکیه دارد. چنانکه لایلا زنا نماینده کرد در یک دوره چون به نام ملت ترک قسم نمایندگی نخورد به ده سال زندان محکوم شد و در دوره جدید نیز چون به نام ملت ترکیه قسم خورده است از حقوق وکالت محروم شده و اردوغان نیز درخواست ملاقات وی در خصوص مذاکره در مورد مسأله کردها را رد کرده و گفته است زنا باید سوگند خود را اصلاح نماید. با وجود این باید گفت ایران و ترکیه دو کشور همسایه هستند و در بسیاری از عرصه ها شبیه هم می باشند اما نوع نظام های دو کشور متفاوت است. تفاوت ها سبب می گردد ما در مقام قیاس چندان آزادی عمل نداشته باشیم. ترکیه کشور احزاب است. در این کشور حضور احزاب تبلور توسعه سیاسی است. در ترکیه نقش احزاب محوری بوده و در واقع احزاب نقش دولت های جانشین را دارند. ترکیه دارای سیستم و نظام حزبی است. هر زمان بن بست سیاسی ایجاد شود راه خروج از آن برگزاری انتخابات است. در ترکیه در هر زمان و دوره ای که بن بست سیاسی ایجاد شود با توجه به شرایط کشور می توان وارد انتخابات شد. با کمترین هزینه به یک حزب دوباره رأی داد و یا حزب دیگری را جانشین حزب قبلی کرد. توجه داشته باشیم ما در ایران حزب به معنای واقعی نداریم. نداشتن حزب در ایران به معنای آن است که ما تجربه دولت مدرن مبتنی بر سازوکارهای دموکراسی را نداریم. ظهور احزاب یا جناح ها در ایران دوره ای بوده و آنها به هنگام انتخابات ظاهر شده و عنصر کمکی برای جناح های سیاسی می شوند. احزاب در ایران از منظر پوشالی و از محتوا تهی می باشند. به عنوان مثال همانگونه که در ترکیه مثلا فوتبال حرفه ای شده سیاست نیز حرفه ای شده است. احزاب در ترکیه، بازیگران حرفه ای صحنه سیاست هستند. احزاب بسترساز عبور و وابستگی ملت ها از افراد، به سیستم است. در واقع احزاب کاریزمای سیستمی را جایگزین کاریزمای رهبران می کنند. با توجه به ویژگی های قدرت مقامات و رهبران بعضا دچار فساد و انحراف می شوند اما با توجه به اینکه احزاب محل بروز خرد و اراده جمعی است و دارای ساختاری سیستمی می باشند، میزان فساد و انحراف در آن کمتر می گردد. ایران با این سطح از توسعه سیاسی فاصله دارد. در ایران رسانه ها تا حدودی نقش حزبی و جناحی دارند. در حالی که رسانه در ترکیه کمک احزاب هستند. لزوم پاسخگویی احزاب در نزد افکار عمومی و بطور مشخص در صندوق های رأی سبب شده عملکرد احزاب دقیق و همراه با عقلانیتی باشد که آنان را بتواند به اهداف خود برساند. رأی که مردم در صندوق رأی می دهند، فرهنگ پاداش و تنبیه را در عرصه سیاسی نهادینه کرده در حالی که در ایران عملکرد یک دولت بیشتر به نام یک یا چندین فرد ثبت می گردد. نظام سیاسی منتج از فرهنگ برخاسته از نظام حزبی تنها سیاست را نظام مند نکرده بلکه اقتصاد نیز دارای سیستم، نظم و ثبات شده است. شاید بتوان گفت یکی از مهمترین نقاط عطف نظام حزبی در ترکیه حرکت در مسیر تقدس زدایی از چهره های کاریزماتیک و جایگزین نمودن سیستم به جای افراد می باشد. سیستماتیک شدن نظام حزبی در ترکیه فرصت آن را ایجاد کرده که خردجمعی بر علایق و نظارت فردی فایق آمده و شرایط ترکیه را از منظر داخلی و خارجی در قیاس با نقاط پیرامونی شرایط بهتری بنماید. البته این سخن به معنای تأیید تمام و کمال سیستم حاکم بر ترکیه نبوده و نیست. ترکیه همچنان در احقاق حقوق کردها، علویان، سیاست خارجی و نوع تعاملات با برخی از کشورها، تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله دارد اما مسیر انتخابی، مسیر توسعه سیاسی است که کانال عبوری آن از طریق احزاب می باشد.

بر سیستم انتخاباتی ترکیه چگونه نظارتی اعمال می شود؟

سیستم نظارت انتخاباتی در ترکیه پیچیده نبوده و کمتر محل چالش است. سیستم نظارتی تعریف حقوقی روشن داشته و معمولا سلیقه ای و یا خطی اعمال نظر نمی نماید. سیستم نظارتی در ترکیه ایدئولوژیک نیست. مهمترین خطوط قرمز در نظام انتخاباتی ترکیه اعتقاد به تمامیت ارضی است. افراد عمدتا از سوی احزاب کاندیدا می شوند. البته برخی از افراد که دارای مقبولیت بالا هستند نیز مستقل کاندیدا می شوند. شورای عالی انتخابات نیز ناظر بر انتخابات بوده و نتایج نیز آنلایین و الکترونیکی بوده و در ساعات اولیه پس از انتخابات نتایج آن اعلام می شود. در آزادی فضای انتخاباتی ترکیه شاید ذکر نکاتی چند مفید باشد. برای مثال زندانیان سیاسی می توانند از طریق احزاب کاندیدا شده و انتخاب شوند. رأی مردم ترکیه به زندانیان سیاسی و انتخاب آنان به عنوان نماینده مجلس، در حالی که آنان را از زندان به صحن مجلس می آورد، برای آنان مصونیت سیاسی نیز ایجاد می نماید. خطوط قرمز ترکیه در انتخابات پیرنگ و پرحاشیه نیست. تفسیر انسانی و جناحی نداشته، بلکه مصادیق قانونی داشته و در چارچوب حقوقی تعریف روشن دارد. توجه داشته باشید سخن از ترکیه ای می گویم که بنیانگذارش یک نظامی بوده و نظامیان این کشور خود را وارث آن می دانستند. در ترکیه تا چندی پیش نهادهای انتصابی خصوصا نظامیان آن در راس هرم قدرت بوده و فضای مانور نهادهای انتخاباتی در آن با محدودیت مواجه بود. اما امروز در ترکیه میدان سیاست در تسلط سیاسیون است و

نظامیان تحت فرمان آنان قرار دارند. البته در ورود نظامیان به سیاست هنگامی که لباس نظامی را از تن بیرون بیاورند مشکلی وجود ندارد. نکته قابل تعمق آن است که ترکیه در دوره گذر و بازتعریف ساختارهای خود در شرایطی نظامیان خود را مطیع سیاسیون می نماید که در بعد داخلی و خارجی با تهدیدات امنیتی جدی مواجه است. آیا تجربه ترکیه قابل استفاده است؟

طبیعی است که تجربه ترکیه و هرکشور دیگری قابل استفاده است. اگر استفاده از تجربه دستور کار بشریت نبود، رشد و تعالی فرصت ظهور نمی یافت. رشد و توسعه بشریت و جوامع انسانی حاصل استفاده از تجربه دیگران است. ایران و ترکیه در تاریخ معاصر متأثر از تجربیات و تحولات یکدیگر بوده اند. اگر در عرصه اقتصادی - صنعتی بسیاری از قابلیت های دو کشور می تواند در کشور دیگر مورد استفاده واقع شود، در عرصه انتخاباتی نیز می توان از تجربیات هم استفاده کرد. ما در حال حاضر در بسیاری از عرصه های سیاسی و بهداشتی از تجربیات یکدیگر استفاده می کنیم. استفاده از تجربه ترکیه در زمینه چگونگی حضور احزاب در صحنه سیاست و یا اعلام الکترونیکی نتایج در گام اول قابل حصول تر است. حضور احزاب و دادن نقش محوری به آنان در ایران را می توان منطبق با شرایط و قانون اساسی کشورمان، بومی و ملی کرد. اگر بخشی از جامعه روحانیت در روند سیاسی کشور توانست تحت عنوان روحانیون مبارز وارد صحنه سیاست شود، می تواند این حضور را در قالب حزب نیز به منصفه ظهور برسد. سیاست ورزی، حاصل کار جمعی بوده و از منظر حساسترین بخش زندگی بشری است. ما در ایران می توانیم نه تنها از تجربه ترکیه، بلکه از تجربه کشورهای دیگر هم استفاده نماییم. شاید تفاوت نظام و فرهنگ سیاسی ایران و ترکیه استفاده از تجربیات ترکیه را دشوار نشان دهد اما قرار نیست ما تقلید نماییم. ما مانند هر موضوعی بخش های قابل استفاده را گرفته و با فرهنگ بومی خود تلفیق کرده و در باز تعریف آن می توانیم برای احزاب نقشی قویتر از امروز در صحنه سیاست ایجاد بنماییم. ما به عنوان ایران، دیر یا زود باید به حضور احزاب در صحنه سیاست به عنوان یک عنصر تعیین کننده تن داده و توسعه متوازن در همه شاخص ها را سرلوحه اداره کشور بنماییم. ترکیه تا چندی پیش کشور کودتاها بود. نظامیان در راس هرم قدرت بوده و عرصه مانور سیاسیون بسیار محدود بود. اما امروز ترکیه با فراز و نشیب، اما با تداوم در راه توسعه سیاسی هم طراز توسعه اقتصادی گام برمی دارد. توجه داشته باشید ترکیه در گام های برداشته شده در مسیر توسعه سیاسی، تا کمتر از یکسال پیش با اوجالان و پ ک ک مذاکره می کرد. مذاکره با اوجالان اگرچه امروز به حال تعلیق درآمده اما این تعلیق ماندگاری نخواهد داشت. مذاکره با پ ک ک از یک سو میزان رشد دموکراسی و پذیرش مخالف در نظام سیاسی ترکیه را نشان می دهد و از سوی دیگر بستر ساز وفاق ملی می گردد. روند مذاکره با اوجالان و پ ک ک بنابر ملاحظات داخلی و خارجی و بطور مشخص تهدیدات ناشی از بحران سوریه بر ترکیه اگرچه فعلاً متوقف شده، اما دوباره آغاز خواهد شد. در حال حاضر در درون پارلمان ترکیه منصوبان به اوجالان و مرتبطین با پ ک ک در قالب حزب دمکراتیک خلق ها حضور داشته و این خود به تنهایی نمایش سطح بالایی از دموکراسی در ترکیه می باشد. البته رفتارهای خارج از عرف دموکراسی و استبدادی اردوغان در سیاست داخلی و خارجی هم به روند دموکراسی در ترکیه آسیب زده و هم به وجه و پرستیژ ترکیه از منظر بیرونی خدشه جدی وارد کرده است. اما دقت داشته باشیم ترکیه را معادل اردوغان نگیریم زیرا اردوغان رفتنی و ترکیه ماندنی است. علیرغم وجود موانع و فراز و نشیب ها آنچه اهمیت دارد ادامه روند دموکراسی در ترکیه است. نکته آنکه برخی اعتقاد دارند دموکراسی شاید هزینه ای چون تجزیه برای ترکیه به ارمغان بیاورد که بنظر می رسد ترکیه حتی با قبول این ریسک وارد این کارزار شده است.

آیا دستگیری وسیع روزنامه نگاران در ترکیه با دموکراسی همخوانی دارد؟

حتماً همخوانی ندارد. توجه داشته باشید دموکراسی یک روند است که ترکیه همچنان در حال تجربه و عبور از آن می باشد. بله، در حال حاضر ترکیه زندان بزرگ روزنامه نگاران است اما در عین حال بستر چند صدایی است که مخالفانش صاحب کرسی مجلس و رسانه می باشند. در گردهمایی ها در ترکیه عکس های اوجالان و پرچم پ ک ک به اهتزاز در می آید. ارامنه در محکومیت کشتار تاریخی خود توسط ترک ها، اعتراض و تظاهرات می نمایند. دستگیری روزنامه نگاران که برخی از آنان از دوستان نزدیک من بوده و به معنای واقعی انسان های فرهیخته و آزاده ای هستند امری غیرقابل قبول و محکوم است. بدیهی است که دستگیری روزنامه نگاران، شدت عمل علیه کردها، تروریسم خواندن مخالفان توسط اردوغان، دستگیری و ایجاد محدودیت برای مخالفان نقیصه بزرگ دموکراسی ترکیه و عامل صدمه جدی به ادعای ترکیه در زمینه آزادی های سیاسی بوده است. در همین ارتباط، تعاملات و رابطه بسیار نزدیک ترکیه با رژیم های ارتجاعی عرب، مداخلات در سوریه، عراق و حمایت های روشن از داعش، اعمال استاندارد دوگانه در خصوص یمن و بحرین در قیاس با سوریه، نیز خود تحولی است که به پرستیژ ترکیه آسیب جدی زده است. در نگاه به ترکیه، آزادی های حاکم بر فضای سیاسی این کشور با شرایط گذشته ترکیه را باید مد نظر قرار داده و آن را با کشورهای پیرامونی قیاس کنیم.

در ارزیابی کلی باید گفت ترکیه با استاندارد دموکراسی غربی فاصله دارد اما این کشور در حال گذر از تجربه ای است که در قیاس با کشورهای پیرامونی، شرایط بهتری برای مخالفان خود ایجاد کرده است. ترکیه در جبهتی گام بر می دارد که چند صدایی نه تنها تهدید امنیت آن نباشد بلکه عامل تضمین امنیت آن در آینده باشد. در آینده با تدوین قانون اساسی جدید که جایگزین قانون اساسی نظام کودتایی خواهد شد، ترکیه گام های بیشتری در جهت نهادینه نمودن دموکراسی برخواهد داشت. با این تحول احتمالاً ترکیه در بسیاری از عرصه ها، ساختاری دچار بازتعریفی خواهد شد.

با توصیف که شما کردید آیا می توان به آن امید داشت که ایران نیز در مسیر توسعه سیاسی گام بردارد؟

توسعه شاخص های مختلف دارد. ایران سال ها است که در مسیر توسعه سیاسی گام برمی دارد. شما باید به همه ابعاد توسعه سیاسی توجه نمایید. ایران در استقلال عمل سیاسی یک استثنا و الگو در جهان است. برجام تبلور تن در دادن و پذیرش جایگاه ایران در عرصه توسعه سیاسی و استقلال عمل از منظر جهانیان است. ترکیه در این شاخص از ایران فاصله زیادی دارد. در شاخص های دیگر نیز فاصله آنچنان نیست. آنچه مهم است ماندگاری و استقامت نیروهای سیاسی در صحنه سیاست است. در ترکیه نیروهای خارج از نظام چون پ ک ک سعی دارند با عدول از عقاید خود و قبول برخی از شرایط حاکم، وارد سیستم شده و در ساختار برای خود تعریف ایجاد نمایند. در ایران تلاش می شود با نگاه حذفی منتقدین تبدیل به مخالف و بعضاً معارض شوند. باید مانع از شکل گیری این روند شد. در ایران اگر نمی شود بستری برای مخالفان و معارضین ساخت، نباید پل های ارتباطی را بگونه ای تخریب کرد که دایره قدرت، محدود به حضور بخش خاصی از ظرفیت های ملی گردد. سیاستمداران در صحنه سیاست و انتخابات همواره با تهدید و فرصت مواجه بوده و ضروری است که هنر آنان در شرایط سخت، تهدید را تبدیل به فرصت بنماید. در جمهوری اسلامی ایران چون سایر نظام های مردمی، سند قدرت، فقط به نام مردم زده می شود، زیرا بقول امام(ره) مردم ولی نعمت بوده و میزان رأی مردم است. مشارکت بالا و عمومی مردم در انتخابات با حضور همه نیروها می تواند برخوردهای حذفی را کم اثر کرده، ظرفیت ملی را بالا برده و قدرت و مشوعیت نظام را افزایش دهد. در جهان امروز و از منظر دموکراسی، میزان مشارکت در انتخابات از نتایج آن اهمیت بیشتری دارد. به هر حال باید ایستاد و با توجه به شرایط انتخاب تاکتیک کرد. جمهوری اسلامی میراث همگانی است و ایران نامی است که همه نیروها و جناح ها باید گرد آن به تعریف مشترک از منافع ملی دست یابند. در صحنه سیاست قهر معنا ندارد. مسئولیت ناشی از دغدغه های ملی ایجاب می نماید سیاستمدار تحت هر شرایطی در صحنه بماند. قهر از سیاست معنا ندارد. در اواخر 2014 فرصتی پیش آمد با دمیرل رئیس جمهور سابق ترکیه که منزلش در همسایگی سفارت ایران در آنکارا بود ملاقات بنمایم. فارغ از گفتگوهای رایج، با توجه به آنکه میراث دار کوله باری از تجربه بود، خواستار نصیحتی از جانب ایشان شدم، اظهار داشتند، سیاست درب ورودی دارد، اما درب خروجی ندارد. یعنی دوستانی که وارد عرصه سیاست شده اند خسته نشوند و باید در هر شرایطی ادامه دهند. اردوغان زندانی سیاسی نظامی بود که امروز رئیس جمهور آن شده است. توجه داشته باشید جامعه ایرانی

جامعه ای جوان ، پویا و از نظر تخصص و سطح تحصیلات در جایگاهی بالا قرار دارد که این بستر خود مهمترین دلگرمی و منبع برای آینده ایران توسعه یافته است. صحنه سیاست، عرصه کارزار دایمی و بکارگیری خرد جمعی بوده و ظرفیت موجود در ایران برای نیروهای سیاسی بستر تلاش بیشتر و مستمر، برای اعتلای نام ایران می باشد. نیروهای سیاسی در ایران باید توجه داشته باشند سیاست ها و راهبردها، باید بر مبنای واقعیت موجود در صحنه تدوین و اجرا شود. هنر سیاستمداران در انجام کارهای ممکن است که آن هم نیاز به برنامه و سازماندهی و از همه مهمتر صبوری دارد. دوره به ثمر رسیدن سیاست ورزی کوتاه نبوده و نیاز به تداوم حضور همراه با عقلانیت و تدبیر دارد. نکته آنکه بحران های پیرامونی انتخابات پیش رو در ایران را، از اهمیت مضاعف و خاص برخوردار نموده است. با توجه به شرایط حساس در منطقه و رجزخوانی های برخی دولت ها، ضروری است همه احزاب و جناح ها به گونه ای عمل نمایند که ضمن حفظ منافع ملی، نتایج انتخابات به تقویت هر چه بیشتر امنیت ملی ایران بیانجامد.